روزنامه صبح ایران ■ سیاسی، هنری، اجتماعی

اعتدال

■شنبه۲۲ آبان ۱۴۰۰ ■ سال چهارم ■شماره۴۳۰۳

۸ برگ آخر

روزنامه سیاسی، هنری، اجتماعی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مسعود خاکبازان
سردبیر: وحید قهرمانی
آدرس دفتر مرکزی: میدان شیخ بهائی پلاک ۲ واحد ۵۷
تلفن: ۸۸۰۵۶۳۸۷-۰۲۱
چاپ: کارگر

رسول خادم یا علیرضا دبیر؛ کدام یک ناخدای کشتی ایران هستند؟

بی‌شک موفقیت فرآیندی طولانی مدت است و نمی‌توان آن را به صورت مطلق از آن یک‌نفر دانست اما این روزها بعضی افراد با نقدهای مغرضانه می‌خواهند عملکرد رسول خادم یا علیرضا دبیر را زیر سوال ببرند و موفقیت کشتی را صرفا حاصل کار یک نفر بدانند و نقش دیگری و مجموعه تحت امرش را نادیده بگیرند.

امیررضا احمدی؛ مسابقات کشتی قهرمانی جهان در سال ۲۰۲۱، قریب به یک ماه پیش به میزبانی اسلو نروژ برگزار شد که موفقیت قهرمانان کشتی ایران باعث شد تا بار دیگر نام کشتی و فنون آن بر سر زبان‌ها بیفتد و دوباره موفقیت گوش شکسته‌ها، ورد زبان مردم شود. وقتی پرونده این مسابقات با نایب قهرمانی ایران در کشتی فرنگی و سومی در آزاد به پایان رسید، دوباره دو قطبی‌سازی‌های رایج میان جامعه ورزش و کشتی شکل گرفت و هرکسی قصد داشت این موفقیت را مصادره کرده و سند آن را به نام خود بزند؛ بعضی افراد مرتبط با روسای فدراسیون سابق و نزدیکان به «رسول خادم» قصد داشتند همه این موفقیت را مدیون آن دوره بدانند و گروهی دیگر سعی‌شان بر این بود که سند تمام و کمال این درخشش را به نام علی دبیر و مجموعه تحت مدیریت او بزنند. با این اوصاف سوالی که به وجود می‌آید این است که آیا همه این موفقیت‌ها حاصل یک دوره مدیریتی است؟ مولانا در فیه‌مافیه می‌گوید: «حقیقت آیینه‌ای بود که از آسمان به زمین افتاد و شکست، هر کس تکه‌ای از آن را برداشت و خود را در آن دید، گمان کرد حقیقت نزد اوست، حال آنکه حقیقت نزد همگان پخش بود.» این می‌تواند بهترین توصیف برای وضعیت کشتی ایران و ورزش باشد؛ ورزش ایران همیشه مستعد دو قطبی است و دست اندرکارانش قصد دارند یک نفر را فرشته بپندارند و دیگری را شیطان؛ حال آنکه هر دوره مدیریتی، نواقص خود را دارد و هیچ مدیری یک منجی کامل یا ویرانگر نیست بلکه هر مدیری در دوره خود نواقصی دارد که گاه کفه ترازو به سمت خوبی‌هایش سنگینی می‌کند و گاه به سمت معایب آن. در حوزه کشتی هم چنین شرایطی صدق می کند و نباید زحمات هر کدام را با نقدهای مغرضانه زیر سوال برد. اگر کتاب کشتی در سال‌های اخیر ورق زده شود و حوزه پایه آن مورد بررسی قرار بگیرد، نقش فدراسیون قبلی و مدیریت رسول خادم واضح و مبرهن است. در دوران ریاست قهرمان المپیک آتلانتا بر فدراسیون کشتی، ورزش اول ایران توانست در رده‌های پایه استعداد های خوبی را بارور کند که ما حصل آن ظهور ستاره‌هایی مانند امیرحسین زارع، رحمان عموزاد، امیر محمد یزدانی، محمد نخودی و... بود که همه این افراد توانستند به خوبی مدیریت شوند، استعدادشان شکوفا شود و با حضور در رده بزرگسالان در میادین بزرگی همچون المپیک و جهانی، مدال‌های مختلف را بر سینه بزنند. با این وصف نمی توان نقش مدیریت قبلی را در موفقیت این نفرات انکار کرد همان طور که در سال‌های قبل تر نیز شرایط به همین روال بوده و خود رسول خادم وقتی در المپیک ۲۰۱۲ و جهانی‌های بعد از آن با نسل طلایی حمید سوریان، قاسم رضایی، حسن رحیمی، مسعود اسماعیل پور، کمیل قاسمی و دیگران از سکوهای قهرمانی بالا می‌رفت، میوه درختی را می‌چید که در دوران یزدانی‌خرم و خطیب کاشته شده بود و او با پرورش آن‌ها و مدیریت صحیح، توانست آن نسل را به موفقیت برساند. اتفاقی که در دوره اخیر هم برای ستاره‌های درخشان کشتی ایران در آسمان توکیو و نروژ رخ داد. بی‌شک هیچ مدیری صفر یا صد نیست؛ اگر با عینک خاکستری به عملکرد و کارنامه روسای فدراسیون‌ها و فدراسیون کشتی نگاه شود، مطمئنا تحلیل بهتری صورت می‌گیرد. معضلی که در بین جامعه کشتی رواج یافته این است که همگی با دید سیاه و سفید به ماجراهای مختلف می‌نگرند و قصد دارند صرفا موفقیت را حاصل مدیریت فرد مد نظر خود بدانند. در حالی که وقتی فدراسیون علیرضا دبیر ستاره‌های پایه کشتی ایران را تحویل گرفت، با یک نسل تازه‌نفس و درخشان روبه‌رو بود. جایی که مجموعه تحت مدیریت او توانست با کار کردن روی این نفرات، پیوند زدن آن‌ها از رده پایه به بزرگسالان و اعتماد به آن‌ها، میوه شیرین موفقیتش را برداشت کند و بار دیگر نام کشتی ایران را بر سر زبان‌ها بینداز. شاید بتوان با یک مثال ساده این مورد را بررسی کرد؛ درست مانند دانش‌آموزی که ابتدا از پایه ابتدایی کارش را شروع می‌کند، سپس به راهنمایی و دبیرستان می‌آید و نهایتا در دانشگاه ثمره کارش را می‌چشد؛ در این مسیر مطمئنا هرکسی به سهم خود نقشی در موفقیت فرد دارد و نمی‌توان تمام موفقیت را به نام یک نفر سند زد؛ اتفاقی که این روزها یقه کشتی را گرفته و هرکسی می‌خواهد موفقیت کشتی گیران را نتیجه مدیریت خود بداند؛ حال آنکه به قول مولانا «حقیقت نزد همگان است»!

محمد طلایی، سرمربی اسبق تیم‌ملی کشتی آزاد بزرگسالان درباره اختلاف نظرهای پیش آمده و موفقیت‌های اخیر کشتی گیران در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفت: الان دیگر بر همه واضح است و همه می‌دانند مدال‌هایی که در چهار رده مختلف کسب شده، با توجه به شرایط کرونایی تنها با دو ماه اردو به دست نمی‌آید بلکه نتیجه یک کار چند ساله است که روی پشتوانه‌های کشتی صورت گرفته و نتیجه آن امروز به دست آمده است.

طلایی ادامه داد: من زحمات کادر فنی جدید را انکار نمی‌کنم، چون آن‌ها هم زحمت می‌کشند و از طرفی همه ما کشتی‌گیر هستیم و از یک خانواده؛ اما ثمره کار فدراسیون فعلی کشتی چهار سال دیگر مشخص می‌شود.

اخبار

ثبت ۴ هزار و ۸۹۱ شکایت از کسب‌وکارهای اینترنتی

اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی اعلام کرد: کاربران اینترنت در ۶ ماه نخست امسال از ۴ هزار و ۸۹۱ کسب‌وکار اینترنتی شکایت کرده‌اند.

به گزارش روز سه‌شنبه ایرنا، اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی، جزئیات صدور پروانه فعالیت و شکایت از کسب‌وکارهای اینترنتی را منتشر کرد که بر اساس آن، تعداد کل کلیک بر روی نماد اتحادیه یک میلیون و ۹۱۳ هزار و ۱۴۵ مورد است که ۴۱۸ هزار کلیک آن مربوط به سال جاری است.

همچنین تعداد ۴ هزار و ۸۹۱ شکایت در ۶ ماه نخست امسال در این سامانه به ثبت رسیده است. افزایش کلیک بر روی نماد اتحادیه می‌تواند به‌منزله توجه بیشتر مخاطبین به کسب‌وکارهایی باشد که از اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی به دریافت پروانه کسب اقدام کرده‌اند.

سه هزار و ۴۳۳ شکایت ثبت شده در سامانه اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی مربوط به شکایت از اعضای اتحادیه و یک هزار و ۵۹ شکایت ثبت شده در سامانه مربوط به کسب‌وکارهای مجازی غیر عضو اتحادیه است.

۳۸۹ شکایت نیز از مرکز توسعه تجارت الکترونیک، سازمان صنعت معدن تجارت استان تهران و اتاق اصناف بوده صورت گرفته است.

از میان شکایت‌های انجام شده، ۳ هزار و ۹۱۹ شکایت مختومه شده، ۱۹۶ شکایت به کمیته نظارت ارجاع شده، ۱۳۰ شکایت منتظر بررسی، ۱۲۵ شکایت ارجاع به کمیسیون و شکایت ۶۶ شکایت باطل شده است.

اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی از سال ۹۸ بخش بازرسی آنلاین را به قسمت نظارتی خود اضافه کرده که کارشناسان بازرسی این اتحادیه با توجه به چک لیست قوانین صنفی از کسب و کارهای عضو و دارای پروانه کسب به‌صورت ۳ ماهه بازرسی آنلاین انجام می‌دهند. در این بازرسی‌ها و در صورت تخلف از سوی کسب و کار، اقدامات قانونی انجام می‌گیرد. این اتحادیه در سال ۱۴۰۰ تعداد ۳ هزار و ۳۴۰ فقره بازرسی را انجام داده است.

اتحادیه کسب و کارهای مجازی موظف است ظرف مدت ۱۰ روز، شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهد. در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی یا انصراف شاکی، پرونده مختومه می‌شود و در صورت احراز تخلف و اعتراض شاکی، پرونده را در مرکز استان به سازمان تعزیرات حکومتی و در شهرستان‌ها به اداره‌های تابعه سازمان مورد نظر، ارسال می‌کند.سازمان تعزیرات حکومتی و ادارات تابعه در شهرستان‌ها مکلف هستند که حداکثر ظرف ۲ هفته در جلسه‌ای با دعوت از شاکی و متشاکی به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون حکم مقتضی را صادر کنند.گزارشی که از سوی اتحادیه منتشر شده، نشان می‌دهد بیشترین تعداد شکایت خریداران اینترنتی به ترتیب به دلیل عدم تحویل به‌موقع کالا و خدمات، عدم تأمین کالای یا خدمات، تقلب و عدم رعایت حق انصراف مصرف کننده، عدم پاسخگویی به نارضایتی مصرف‌کننده و رعایت نکردن تعهدات موضوع قرارداد از جمله تأخیر در ارسال است.

ابراهیمی: اول هشدار بعد عمل! چرا بزرگان اصولگرا در قبال دولت رییسی سکوت کرده‌اند؟

حجت الاسلام حسین ابراهیمی از اعضای جامعه روحانیت مبارز بر این باور است که اصولگرایان بر اساس احتیاط، فکر کردند شاید آقای احمدی نژاد با تذکر متوجه شود اما متاسفانه تذکرات اثر نگذاشت در مورد ابراهیم رییسی نمی دانیم در آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، بیش از صد روز از عمر دولت اصولگرای ابراهیم رییسی می گذرد اما بزرگان اصولگرا همچنان سکوت پیشه کرده اند. اصولگرایان که کارنامه احمدی نژاد را پشت سر گذاشته‌اند همواره بر این باور بودند که دیر به میدان آمدن و جلوی اقدامات نادرست احمدی نژاد را نگرفتند تا اینکه دیر شد.

حجت الاسلام حسین ابراهیمی از چهره های سیاسی اصولگرا بر این باور است که اصولگرایان در مورد احمدی نژاد دیر به میدان آمدند و تنها به تذکر و هشدار اکتفا کردند در حالی که دیگر تذکرات هم سودی نداشت.

او در گفت و گو با خبرگزاری خبرآنلاین درباره سکوت بزرگان اصولگرا در قبال اقدامات دولت ابراهیم رییسی عنوان می کند که اصولگراها انسان های عاقلی هستند و زود قضاوت نمی کنند

این عضو جامعه روحانیت مبارز درباره تکرار تجربه احمدی نژاد در مورد رییسی، اظهار می کند آینده نگر نیستیم که بدانیم در آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد.

مشروح مصاحبه خبرگزاری خبرآنلاین با حجت الاسلام حسین ابراهیمی از اعضای جامعه روحانیت مبارز را می خوانید؛

***آقای ابراهیمی! ارزیابی شما از این روند انتصابات در دولت آقای رئیسی و انتقاداتی که به آن وارد می شود، چیست؟**

در مورد انتصابات نمی دانم کجا انتصاباتی صورت گرفته است که قبیله ای یا قوم و خویشی است یا اطرافیان خودشان را منصوب کردند من تصور می کنم این ها جنبه تبلیغاتی و تخریبی دارد، این ها واقعیت نیست زیرا گروه های کارشناسی که آقای رئیسی پیش بینی کردند و این افرادی که گزینش می کنند در گروه ها ارزیابی می شوند، شناسایی می شوند و در مورد آنها بررسی صورت می گیرد تا افرادی کارآمد باشند اگر افراد کارآمد بودند اما قوم و خویش باشند چه مشکلی ایجاد می کند؟ شایسته سالاری مهم است.

من معتقدم قوم و خویش هیچ مشکلی ندارد. پیامبر گرامی اسلام اولین کسی را که فرمود علی (ع) وزیر من است، امیر المؤمنین بود که از خویشان ایشان بود و در خانواده شان بزرگ شده بود. باید شایسته سالاری را تعقیب کرد. اگر کسی توانایی داشته باشد، کارایی داشته باشد، مورد اعتماد هم باشد و انگیزه کار داشته باشد چه مشکلی ایجاد می کند که برخی بخواهند سر و صدا راه بیاندازند. نکته دوم اینکه از کجا به اثبات رسیده که انتصابات قوم و خویشی است؟!

من معتقدم این سروصداها برنامه های افرادی است که می خواهند دولت و تلاش هایش را تخریب کنند. در واقع افرادی که در فسادهای گذشته مشارکت داشتند و سودی به دست آوردند الان با این حرکتی که هماهنگ شروع شده است (یعنی قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه) از وضعیت خودشان می ترسند به همین دلیل شروع به تخریب دولت کردند و هنوز زمانی نگذشته است که ببینیم دولت موفق است یا موفق نیست و پیشتازی کردن و اینگونه تخریب کردن، حقیقت و واقعیت ندارد و این ها مقدمه ای است که دولت را تخریب کنند و این سر و صداها، سیاسی است.

***بسیاری از کسانی که حامی دولت آقای رئیسی بودند و هستند از جمله نمایندگان مجلس و چهره های سیاسی اصولگرا به روند انتصابات انتقاد کردند. این در حالی است که بسیاری از بزرگان اصولگرا در مورد انتصابات سکوت کردند، اگر به گفته شما اشتباه است یا سر و صداها از نگاه شما، سیاسی است چرا بزرگان اصولگرا در این مورد سکوت کردند؟**

اصولگراها انسان های عاقلی هستند یعنی زود قضاوت نمی کنند.

***یعنی آنها هم منتظر هستند؟**

منتظر هستند ببینند واقعا کارایی چیست، چقدر موفقیت حاصل می شود، اگر به جایی رسیدیم که خدای نکرده این اظهاراتی که درباره دولت مطرح می شود واقعیت داشته باشد اصولگرایان خط قرمز ندارند همانطور که در گذشته نداشتند لذا درمورد آقای احمدی نژاد جایی که برای اصولگرایان روشن شد آنها با وی برخورد کردند، منتهی اعتقاد من بر این است که اصولگرایان عاقلانه کار می کنند نه عجولانه.

*** اصولگراها چرا به موقع به میدان نمی آیند؟ در دوره احمدی نژاد، حتی خود اصولگراها هم می گویند که دیر وارد شدیم که بخواهیم انتقاد کنیم یا به نام اصولگراها جلوی اقدامات دولت را بگیریم...**

به هر حال اصولگراها چون اعتقادات دینی دارند فکر می کنند فرد موردنظر، خودش با تذکر و هشدار متوجه می شود اما گاهی طرف به گونه ای است که متوجه هیچ‌چیز نمی شود یعنی هرچه به آن شخص تذکر و هشدار می دهند او گوش نمی کند و بعد وارد عمل می شوند یعنی در اسلام هم لازم است اول تذکر و هشدار داده شود بعد وارد میدان شوند لذا عاقلانه وارد شدند و در موارد گذشته هم همینطور بوده است.

***یعنی شما می گویید در مورد آقای احمدی نژاد اصولگراها به موقع وارد میدان شدند؟**

خیر، دیر شد اما این ها بر اساس احتیاط، فکر کردند شاید آقای احمدی نژاد با تذکر متوجه شود اما متاسفانه تذکرات اثر نگذاشت.

***امکان دارد درمورد آقای رئیسی هم تکرار شود؟**

نمی دانیم. بشر به گونه ای است که ما آینده او را نمی دانیم و خدای توانا غیب را می داند، ما آینده نگر نیستیم که بدانیم در آینده چه اتفاقی می افتد.

***این مدت زمان ۱۰۰ روزی که دولت آقای رئیسی روی کار آمده را چگونه ارزیابی می کنید؟ چون برخی بر این باورند رئیس جمهور فقط دستور می دهد و وزیر هم دستور می دهد ولی ما مردم در عمل چیزی نمی بینیم..**

هنوز زمانی نگذشته که این دستورات عملی شود، باید به دولت فرصتی بدهند چون هنوز انتصاباتش هم انجام نشده است، یعنی الان دولت هنوز انتصاباتی نداشته و انتصابات در حد بسیار محدودی بوده است. چه بسا کسانی که از گذشته بوده اند کارشکنی هم کنند، لذا الان نمی توان قضاوت کرد که این افراد اقدامی نمی کنند، اگر واقعا از گذشته باشند ممکن است افرادی باشند که نخواهند با این دولت همکاری کنند برای همین حتما کارشکنی می کنند لذا باید فرصت داد که دولت، سرو سامان پیدا کند و ساختارها و انتصابات خودش را انجام دهد.

به عنوان مثال الان بسیاری از شهرها، شهردار ندارد، انتصابات استانداران تا حدودی تکمیل شده‌اند منتهی برای فرمانداران و بخشداران هنوز انتصاباتی انجام نشده است. لذا نباید به سرعت قضاوت کرد و باید به دولت فرصت داد تا بتواند کارش را انجام دهد و بعد از گذشت مدتی می توانیم ارزیابی کنیم، حداقل باید ۶ ماه بگذرد تا بتوان یک ارزیابی داشته باشیم که چه کارهای مثبت و چه کارهای منفی انجام شده است.

***الان بسیاری از چهره‌های اصولگرا می گویند که نباید زود قضاوت کرد ولی یک بحث دیگری که مطرح می کنند این است که روند انتصابات کند است. توصیه شما در این مورد به دولت چیست؟**

من هم معتقدم این کار باید با سرعت بیشتری صورت گیرد منتهی از آن طرف هرکسی را نمی توان روی کار آورد و باید بررسی و تحقیق کنند تا آن فرد کارایی لازم را داشته باشد، به تعبیری خُم رنگرزی که نیست که یک فردی را در آن بیاندازیم و رنگ شده بیرون بیاوریم بلکه باید به تدریج افراد شناسایی شوند و در کمیته بررسی شود، مثلا افرادی که به عنوان استاندار انتخاب شدند چقدر در موردشان تحقیق شد و بعد به هیئت دولت آمدند و رأی گرفتند. من معتقد هستم که عجولانه نمی توان تصمیم گرفت اما از سوی دیگر هم سرعت یکی از کارهای پر ثمری است که اگر انجام شود بهتر است اما ارزیابی هم لازم است که افراد را بشناسند و بعد آنها را منصوب کنند.

***به هر حال مردم این انتظار را از آقای رئیسی و حامیان ایشان دارند که شعار سریع، فوری، انقلابی محقق شود همین قضیه باعث می شود مردم فکر کنند وقتی آقای رئیسی آمد به سرعت این کارها انجام شود ولی نشده است. این برآورده نشدن انتظار از نگاه شما چگونه است؟**

مردم ما عاقل هستند و درک می کنند که شرایط، به گونه ای است که تا دولت بتواند مستقر شود و نیروهایش را منصوب کند زمان بر است و نمی توان این شعار را با سرعت انجام داد لذا این بدین معنا نیست که دولت دنبال آن نیست و کار را به درستی انجام نمی دهد بلکه تلاش دارد که هر چه زودتر انجام شود اما این که چهار روز دیگر خراب کاری شود خوب نیست، برای همین باید با تامل و تفکر و با شناخت و شایسته سالاری افراد خوبی را روی کار بیاورند تا دلسوز مردم باشند.

بنابراین باید به آنها مهلت دهیم و صبر کنیم. مردم ما صبور بوده‌اند و تا الان با پشتوانه مردم انقلاب حفظ شده است، اگر مردم واقعا با انقلاب نبودند، انقلاب از بین رفته بود، به همین دلیل می گویم که آنها درک می کنند و کاملا با صبر و حوصله باید منتظر باشند که انتصابات انجام شود و ثمره آن را هم انشالله خواهند دید.

***به نظر شما نقش سخنگوی دولت چقدر می تواند در پاسخ دادن به انتظارات و صحبت‌ها و هجمه‌ها تاثیر گذار باشد؟ الان بیش از صد روز گذشته است و هنوز سخنگوی دولت تعیین نشده است. آیا این نمی تواند یک نقطه ضعف بزرگ برای آقای رئیسی باشد؟ به نظر می رسد آقای رئیسی نمی تواند به تنهایی به همه اینها پاسخ دهد.**

وزرا سخنگوی خودشان هستند، یعنی هر وزیری که بتواند در حوزه خودش به شبهات پاسخ بدهد بهتر از سخنگو است چون سخنگو با یک واسطه حرف می زند اما وزیر مستقیم حرف می زند، الان که ماشالله همه وزرا به همه سؤالات پاسخ می دهند و آقای رئیسی هم اجازه فرمودند که افراد خودشان به سؤالات پاسخ دهند.

***به نظر شما این ناهماهنگی ایجاد نمی کند؟ سخنگوی دولت در همه دولت‌ها نقش مؤثری داشته است، به نظر شما دولت آقای رئیسی نیاز به سخنگو ندارد؟**

حتما نیاز دارد و این هم جزء مواردی است که باید صبر کنید تا یک فرد لایقی از بین وزرا یا از بیرون پیدا شود. قطعا سخنگو مؤثر است و می تواند جلوی بسیاری از شبهات را بگیرد و به سؤالات جواب دهد. بنابراین انتخاب سخنگو لازم است منتهی باید فرصت دهیم و این هم مثل همه انتصاباتی که باقی مانده، هنوز انجام نشده است و قطعا انجام خواهد شد.

***مثلا در مورد وضعیت اقتصادی مملکت هر اتفاقی که می افتد منتظرند که وزیر اقتصاد صحبت کند یا آقای محسن رضایی صحبت کند یا معاون اول صحبت کند. این ناهماهنگی بین تیم اقتصادی را چقدر برای دولت آسیب زا می دانید؟**

همه اینها صحبت می کنند و من اظهارات همه‌شان را گوش می کنم، وزیر اقتصاد صحبت کرد، آقای رضایی صحبت کرد، حتی به مجلس رفت و در مجلس هم صحبت کرد و بقیه آقایان هم که همیشه در حال صحبت هستند، من معتقد هستم به جای صحبت کردن بروند و کار کنند. ما حرف، زیاد شنیده‌ایم اما متاسفانه نتیجه نگرفتیم، باید نتیجه را در عمل ببینیم چون به سخندانی نیست. به تعبیری به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. انشالله باید به آنها فرصت دهیم تا بروند و کار کنند، آنها نباید فقط صحبت کنند و در نهایت از آن هیچی در نیاید چون بدتر می شود.

چرا اردوغان به سیاست‌های تهاجمی روی آورده است؟

کارشناس مسائل ترکیه در گفتگویی به خبرآنلاین گفت: ترکیه به دنبال افزایش قدرت خود است و این کشور به سمت نقش جدیدی سوق داده شده است تا نقش فعال و پویا تری درمنطقه داشته باشد. یکی از رقبای ترکیه را می توان ایران قلمداد کرد که البته این مسائل در تقابل با ایران نیست، بلکه در افزایش نقش و توان منطقه ای ترکیه به عنوان قدرتی بلندپرواز تعریف می شود.

مهسا مژدهی: اردوغان در حالی که خبر بیماری اش مدام دست به دست می شود، اقدامات توسعه طلبانه اش را افزایش داده است. او در قفقاز سیاست فعالانه ای را در پیش گرفته، سوری ها را تهدید می کند و کماکان برای اروپایی ها دردسر می سازد. چند روز پیش بود که رئیس جمهور ترکیه در پارلمان این کشور خواست تا حضور نیروهای کشورش در باکو را تمدید کند مساله که در نهایت با موافقت پارلمان ترکیه نیز روبرو شد. اردوغان که آزادی قره‌باغ و اراضی آذربایجان را سرآغازی جدیدی برای منطقه قفقاز می داند اخیرا به الهام علی اف وعده داده است که آنکارا در تمامی پلتفرم‌ها از جمله گشایش گذرگاه زنگه‌زور از برادران آذربایجانی خود حمایت خواهد کرد. موضوعی تنش زا و مهم که می تواند سرآغاز تحولات ژئوپلتیکی مهم در منطقه قفقاز باشد. خبرآنلاین در همین راستا با سیامک کاکایی پژوهشگر مسائل ترکیه گفتگویی داشته که در ادامه آنرا می خوانید:

ما شاهد ماندن نیروهای نظامی ترکیه در باکو بوده ایم. همچنین آنکارا کمک به باکو برای پیشبرد پروژه کریدور زنگه زور را در برنامه دارد. علت این تحرکات چیست؟

سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی در چند سال گذشته بسیار فعال شده که با ورود ترکیه به مناقشه قره باغ علنا شکل نویی به خودش گرفته و می توان گفت که ترکیه در یک مسیر نظامی تری ورود پیدا کرده. باید گفت که حمایت های همه جانبه ترکیه بود که آذربایجان را به ورود به جنگ قره باغ تشویق کرد. ترکیه نقش مهمی در حمایت از جمهوری آذربایجان برای آزادسازی مناطق داشت. بنا بر این پس از اینکه جنگ خاتمه یافت و سال گذشته توافقنامه صلح بین جمهوری اذربایجان و ارمنستان با میانجیگری ترکیه انجام گرفت، فعالیت های ترکیه در حمایت از آذربایجان نمود بیشتری پیدا کرد و بخشی از این روابط جنبه نظامی داشت. ترکیه از قبل از این هم حمایت هایی داشت و جنگ افزارهایی به باکو فروخت. همه این ها درجنگ قره باغ موثر بودند. در یک سال گذشته ترکیه چند اقدام مهم را همزمان در جمهوری آذربایجان پیش می برد.

اول اینکه همکاری های نظامی را به سمت حضور نظامی در جمهوری آذربایجان سوق داده و به دنبال استقرار طولانی مدت تر تحت عنوان حمایت از صلح و آموزش نظامی در آذربایجان است. مساله دوم اینکه اکنون جمهوری آذربایجان برای ترکیه حکم یک دالان را پیدا کرده است. تلاشی که این دو کشور برای اتصال نخجوان به خاک اصلی جمهوری اذربایجان دارند یعنی ارتباط پیدا کردن ترکیه با باکو و به دریای خزر و سپس به آسیای مرکزی که یک استراتژی بسیار مهم و راهبردی است که قرار است از ترکیه شروع شده و به چین برود.

مساله سوم بحث اقتصادی است. در حال حاضر آنکارا هم در بخش انرژی و هم سرمایه گذاری جمهوری آذربایجان فعالیت دارد و هم اینکه در همان شهرهایی که آزادسازی شده کمپانی های ترکیه نقش مهمی ایفا می کنند. مساله چهارم این است که ترکیه یک نگاه هویت طلبانه به روابط با جمهوری اذربایجان دارد. آن شعار معروف یک ملت دو کشور که از دوران حیدر علی اف بوده، اکنون رنگ جدی تری به خودش گرفته و اردوغان که بارها به باکو سفر کرده روی مسائل هویتی تاکید زیادی دارد.

مریضی اردوغان به تازگی سوژه بسیاری از رسانه ها شده است. در صورتی که بیماری او آنقدر که غربی ها مدعی هستند پیشرفت کرده باشد، اینده سیاسی ترکیه و تلاشش برای تبدیل شدن به قدرت اتمی چه وضعیتی پیدا می کند؟

دو دهه از ظهور و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه می گذرد و در این دو دهه نقش رهبری اردوغان برای حزب و بعد از آن در شیوه های مختلف حکومت داری نقشی کاریزمایی بود. خیلی معتقدند که حزب به این نقش متکی است و حتی ممکن است در وضعیت تغییر در رهبری حزب عدالت و توسعه کسانی مثل اردوغان نباشند که بتوانند هدایتش را در دست داشته باشند. این ممکن است حزب را دچار انشعابات درونی کند یا اگر آنها نتوانند فکری برای آینده بکنند، دچار تغییرات زیادی شوند.

مساله ای که به چشم خورده این است که موقعیت عدالت و توسعه تنزل پیدا کرده است. بعد از کودتای نافرجام، اردوغان یک تغییر تاکتیکی در سیاست خود داد و با پررنگ کردن اندیشه های ملی گرایی در تفکرات حزبی، به ائتلاف با یک رقیب دیرینه یعنی حزب حرکت ملی ائتلاف کرد. ممکن است که در انتخابات اینده اما چنین ائتلافی رخ ندهد و حزب اردوغان با کاهش آرا رو به رو شود. احزاب مخالف مثل حزب جمهوری خواه خلق و حزب نیک و حزب وابسته به کردها هم وجود دارند که سیاست های عدالت و توسعه و اردوغان را مورد انتقاد قرار می دهند و خواهان تغییر در نظام سیاسی در ترکیه هستند. منظورشان این است که نظام سیاسی که چندسال پیش از پارلمانی به ریاست جمهوری تغییر کرد به شیوه پارلمانی برگردد. چون این روش جدید سیستم سیاسی را به سمت یک دیکتاتوری از سمت اردوغان پیش برده است. ادامه این وضعیت برای عدالت و توسعه ممکن است ایجاد ترکیه کند و به تنزل آرا منتهی شود. این مساله ممکن است خود حزب و شخص اردوغان را به اتخاذ سیاست های جدیدی مجبور کند.

در سال های اخیر ترکیه در فضای داخلی یک وضعیت شبه امنیتی ایجاد کرده است.در صحنه سیاست خارجی هم نظامی گری را ادامه داده و در مناطق مختلف به دنبال گسترش رویکرد نظامی است. تبدیل شدن به قدرت اتمی هم در حاشیه همین موضوعات قرار دارد.

اردوغان با توسعه طلبی های خود و رفتن به سمت باکو در رقابت های منطقه ای، تلافی شکست در سوریه را سر ایران درمیاورد؟

اینطور نیست که ترکیه در سوریه دچار شکست شده باشد. او به هرحال بخش بزرگی از خاک این کشور را در دست دارد. به همین خاطر به نظر من رفتن اردوغان به سوی سیاست های تهاجمی دلایل دیگری دارد.

با بررسی سیاست خارجی ترکیه پرسش های زیادی وجود دارد که چرا اردوغان در سال های اخیر چنین رویکرد تهاجمی را در محیط بیرونی و همجوار اتخاذ کرده. به نظر می رسد که انکارا به دنبال به دست اوردن یک نقش قوی منطقه ای است و راه آن را از مسیر تهاجمی کردن رویکرد خود تعقیب می کند. چرا که در سوریه با احساس خطر نسبت به منافع ملی اش از سوی کردها رو به رو شده بود و آنکارا عملا ورود پیدا کرد به سوریه و بخش هایی از خاک آن را به تصرف در آورده است.

ترکیه به دنبال افزایش قدرت خود است و این کشور به سمت نقش جدیدی سوق داده شده است تا نقش فعال و پویاتری در منطقه داشته باشد. یکی از رقبای ترکیه را می توان ایران قلمداد کرد. این مسائل در تقابل با ایران نیست. بلکه در افزایش نقش و توان منطقه ای ترکیه به عنوان قدرتی بلندپرواز تعریف می شود. روابط ترکیه و ایران از یک اصول مشخص پیروی می کند اما رقابت های منطقه ای هم پابرجا هستند.